

MARVEL

029

**DUGGAN
ESPIN
REDMOND**

COMIC CITY

DEADPOOL

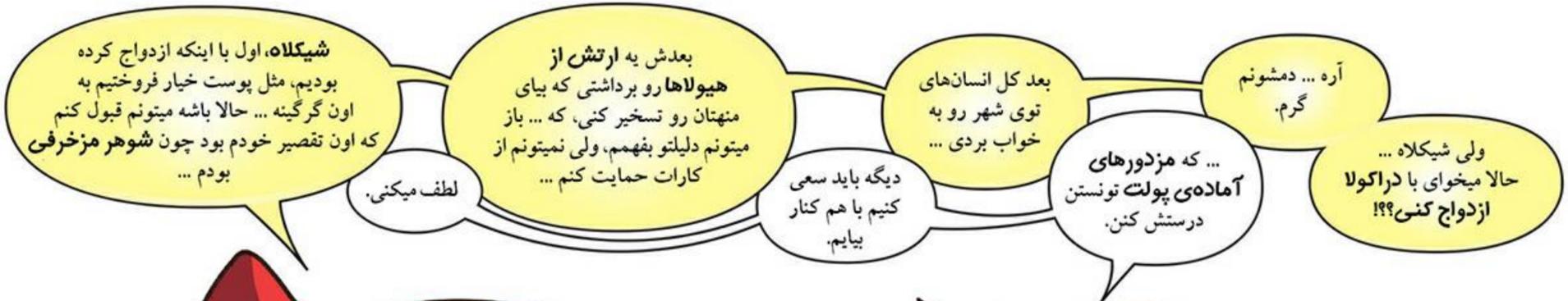
تالعهی مرگ... قسمت ششم



Reilly Brown Jr
2017

انتقام جو ... قاتل ... سوپرستار ... آدم بد بو ... اگه ماهرترین مزدور دنیا نباشه، قطعا رو مخ ترین هست. وید ویلسون واسه یه برنامه ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش یه سری قدرت داد که بتونه هر زخمی رو درمان کنه. ولی یه جورایی، با اینکه فقط پولشو میگرفت کارش رو میکرد، وید تبدیل به پرترفدارترین "قهرمان" تو دنیا شد. صدش کنین پول پرست و راج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...

ددپول



L'I DEADPOOL ART BY IRENE Y. LEE

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Gerry Duggan
writer

Salva Espin
artist

Ruth Redmond
colorist

VC's Joe Sabino
letterer

Reilly Brown & Jim Charalampidis
cover artists

Heather Antos
assistant editor

Jordan D. White
editor

Axel Alonso
editor in chief

Joe Quesada
chief creative officer

Dan Buckley
publisher

Alan Fine
executive producer



کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2017 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



آیا شما ارباب
دراکولا، شیکلاه ملکه‌ی
دنیای زیرین رو به عنوان
...

بله بله، می‌پذیرم.
بگو زودتر تمومش
کنیم.

البته، شیکلاه.

مرسی که بهم
همون عروسی رو دادی
که همیشه دلم میخواست.
آتش روشن دوروبر. یوی
مرگ تو هوا.



خیلی خب.
من معمولاً این کارا
رو نمیکنم. اصولاً تو
کار طلاقم. همم، دیگه
چی مونده؟

آها.
خب امم ... پس من
شما رو ... اوه صبر
کن، ام ...



آها ... ام ...
اگه کسی اعتراضی
به این ازدواج نامقدس
نداره ...



همممف!

گممف!

به من نگاه
نکن. پاشو باید بریم
به مهمونیشون. این ساقدوش
عروس که پشت منه مشکل
شرعی زیاد داره!



خیلی خب پس ...
دراکولا و شیکلاه، من
شما رو ام ... زن و، نه، ارباب
خون آشاما و ملکه‌ی هیولاها
اعلام میکنم.

این تنها ازدواجیه که
میتونم باهاش موافقت
کنم!

ها-همممف!

اینی که میگی
یعنی چی آخه؟

من که
نمیفهمم



هممتونو
تو جهنم میبینم!



این همون
اتحادیه که قول داده
بودم آرامش و قدرت و
موفقیت رو برای تمام فرزندان
تاریکی به ارمغان میاره.

آره، پله ...
نیروهامون الان دارن کله
همو میکنن.

باید به هیولاهایی
که از بازگشت تو خوشحال
نیستن رسیدگی
کنیم



بخت تبریک میگم
که اولین عروس من
شدی.

ام ... اینطوری
نیستا. میشه پرسم چه
برنامه‌ای برای خانواده‌مون
داری؟

هرموقع با هم
تخت پادشاهی رو
پس گرفتیم تو جریان
جزئیات میدارمت ...



من بهترین سربازامو
فرستادم به شهر هیولاهو تا
نظم و برقرار کنن ...

راه بیفت
بریم ...

... و بذاریم
اون عنکبوت شوهر
منو بخوره.

دوستشو.



برای
دراکولا!

برای
شیکلا!

این شهر باستانی
رو دادیم بهتون اونوقت
چیکارش کردین؟

گذاشتین آدمابالا
سرتون راه برن!



دراکولا داره
بر میگرده؟ یعنی
معنیش اینه که شیکلا
مرده؟!

کسی چه میدونه؟
شاید باید راجع به رفتن از
نیو یورک به فکری
بکنیم.

فرانکشتاین از خون خوارای
احمق بدش میادا!



فرقی نداره کی
این پایین بیره ... آخرش
همه بازنده ایم.

ZWANG



حق با مومیایه ...
فرمانده هامون هیچ کاری
نکردن جز اینکه تضمین کنن که
دیگه نمیتونیم با انسان ها در
صلح زندگی کنیم.

میبینم که با
جنگیدن بر علیه هم
دارین میذارین فرمانده هاتون
برنده بشن.



نژاد حکم خواه
خون آشاما باری دیگه
داره به عنوان قلدر استفاده
میشه تا پادشاهاتون به
خواسته هاشون برسن.

چی؟
ها؟

میدونین شاید به
راه دیگه ای هم برای
گذروندن زندگی هیولاییتون
باشه.



کشوری که بالاسرتونه با هدف از بین بردن زندگی پادشاهی پایه گذاری شده. یک جمهوری که هر کسی توش خودش حکومت میکنه، و قانون اساسی ای که نوشتیم میگه که حقوق انسانی به هر مرد، زن و بچه ای تعلق میگیره، بدون هیچ شرطی.

زندگی، آزادی و جست و جوی خوشی میتونه برای شما هم باشه، اگه براشون بچنگین.



هی، برین سندرز دیگه کی مرد؟



روح بی حیا چی گفت؟

ام، مطمئن نیستم.

دارم میگم که من عقیده دارم که حقوق انسانی برای همه است ... حتی نانسانها!



دارم میگم با هم دیگه میتونیم هم دراکولا و هم شیکلا رو شوت کنیم بیرون!



باهم دیگه!

نظرتون چیه؟ میتونیم همه با هم بمونیم ... یا همه دونه دونه بمیریم؟

جورج واشینگتون راست میگه.

من بن فرانکلینم!

عکس روی صد دلاریه!

برای واشینگنتون!

"دارم میام کمکت ددپول!"

بالای زمین.

اییش.
فکر کنم این جمله
هم جز چیزایی که دیگه قراره
زیاد بگم.



اینارو قرض
میخوام ازت.
همممف؟



برو کمک
بیار دخترک!
اِه، سگ به
حرفم گوش نمیده.

گوش کردن به تیکه‌های
اون وقتی من اینجا دهنم بسته‌است
بدترین چیزیه که تا حالا سرم اومده،
و این در حالیه که من حتی به بار جنازه
مامانمو تو به قبر دسته جمعی پیدا
کردم.



اِه! حتی مایع سرش
هم سبزه.
اینی هم که گفتیم به
جمله علمیه، محض اطلاع.



بابت این شرمنده
ددپول.

وقتشه برت
گردونیم به بازی!



یااااا!!!
تور وحتون،
درد داره!

میدونی چیه؟ همین
الانشم پشیمونم. بذار
اون دهن بندو برگردونیم
سر جاش.



باید بریم پایین
تو شهر هیولاها.

واقعا؟ میدونی
چی میتونه ایده خوبی
باشه؟ اینکه بریم دزله و بیاریم
دیگه، میدونم ... گوش کن ...
واقعا فکر میکنم با قدرتای
اون ...



انقدر جلو این
همه هیولا آبروی منو
نبر.

بریم فک به چندتا
هیولای رنگ پریدهی کمبود
ویتامین دی رو بیاریم
پایین.

اگه جلو دراکولا رو
نگیریم تا ابد باید با خون آشاما
بجنگیم

اگه بتونی سر
اونو گرم کنی، من از
پس شیکلاسه بر
میام ...





اووف!

دردان!

مثل اینکه
نااسنان‌ها هم به حرف
اومدنو تو دیگه هیچی
نیستی!

میدونی، من طوری بزرگ شدم
که عقیده داشته باشم میتونم هر چیزی
باشم، و امروز من کسی شدم که به
تا پرنده رفت تو کمر دراکولا. چه
دوران خوبی واسه زندگی
کردنه.

کسایی که قصد
داشتیم بهشون خیانت
کنیم بهمون خیانت
کردن!

فکر میکردم هیولاها
عاشق منن ... ولی میخوان
که منو بندازن بیرون؟؟

حداقل دلایل واقعی
واسه‌اش دارن و واسه
ایمیلا تو نیست.

میشه راجع
به خودمون صحبت
کنیم؟

چطوری تونستی
با دراکولا ازدواج کنی؟
اون برادراتو کشته!

حتی اگه خودت
هم باهاشون آشنا
میشدی احتمالاً
همینکارو میکردی.

یا حتی خود
من.



بین من
میدونم گند زدم، ولی
تو نمیتونی گندای منو با ازدواج
با ولاد تلافی کنی!

تو واسه من
تعیین نمیکنی که با
کی ازدواج کنم!

و دراکولا هم تعهد
داده که از این مردم محافظت
کنه!

ولی کی ازشون در
مقابل دراکولا محافظت
میکنه؟

خب راه حل
تو چیه؟!!



و مزدورهای آماده‌ی
پول همینک وارد
میشوند.

ولی ددپول که فعلا
آس و پاسه، کی پوله مارو
میده؟

و دقیقا باید
با کی بجنگیم؟

میگمیتا بریم با
هر کی داشت میبردیتا.

منم با سلاح
موافقم، طرف برنده رو
بگیریم.



خون همه‌تونو
تا قطره‌ی آخرش
میخورم!

فکر نمیکنم الان تو این
وضعیت باید اینطوری حرف
بزنیا.



اووف!



تا حالا کسی با موی
دم اسبی اینطوری با
لگد نزده ... چی؟؟؟!!

اون بیرون اوضاع
چطوره؟

اوه، سلام
اسپایدی!



اصلا واسه خودت
احترامی هم قائلی؟



منظورت کدومونه؟

لا لا لا! من
گوش نمیدم! من دارم
میرم!

میخوای بمون
تو هم، شاید ...



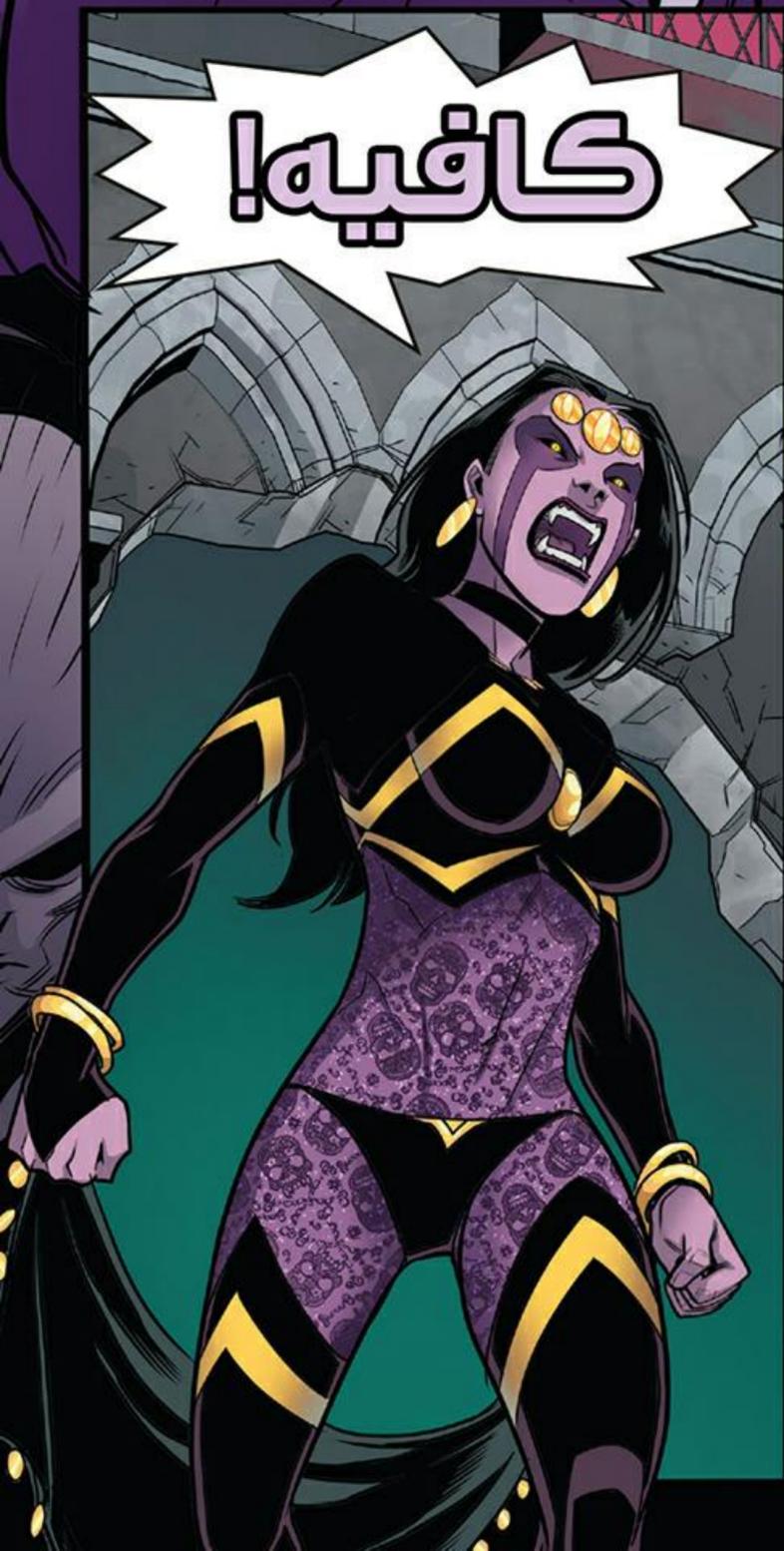


امیدوارم همه تون
آماده‌ی یه عروسی
خونین باشید!

درسته ... موقعی
که دور بودم و داشتم دوران
نقاقت خودمو میگذروندم
همه‌ی برنامه‌هامو هم
نگاه کردم.

و الانم واقعا دارین
عصبانیم میکنین.

کافیها!



باید با شوهرم
صحبت کنم.



میتونیم همه شونو
له کنیم ... ولی واقعا
اینو میخوای؟

انتخابی هم
دارم؟؟

هرک!



میدونم باورش سخته ... ولی از آخرین باری که با هم بودیم من عوض شدم.

واقعا؟



الان حرفت چیه؟ بذاریم این اراذل اوباش خودشون حکومت کنن؟

من این مردمو دوست دارم، ولی اگه اینا منو نمیخوان ... من کارای بهتری دارم که انجام بدم.

شاید بدون ما هم موفق بشن، شاید هم نشن. ولی من خواسته هامو رو مردمم زور نمیکنم. میذارم برن و وایمیسم بینم چی میشه.



همم. بله، یه سریاشون قدرت خورشید رو به دست آوردن و میتونن به سادگی کار همه مونو تموم کنن.

همیشه نگران بودم که دزله رو بفرستن تو خواب منفجرم کنه.

خوشبختانه انسانها به طرز عمیقی احمقان!

ببین، اگه داری میگی که این دهاتیا رو به حال خودشون بذاریم، باید بهت بگم که قبل اینکه آقا شوهرت بیاد پیدام کنه هم باز نشسته بودم من.



بله. من کناره گیری میکنم و از این به بعد فقط میخوام دنبال علایق خودم باشم.

اگه میخوای به من ملحق شی، پس وقتشه که دیگه بریم.





موفق شدیم!
عقب نشینی کردن!

هورا؟ ولی
میگم کس دیگه‌ای
هم نگرانه که به جورایی از
زدنمون خسته شدن و پاشدن
رفتن؟



چیو از دست
دادم؟

نمیدونم، ولی
مشکل من نیست.

جواب کوتاهش و
در آن واحد خیر خوب اینه
که مجرد شدی.



ولی ... حالا کی مارو رهبری میکنه؟

خودمون خودمونو رهبری میکنیم تا اینکه چند ماه دیگه بتونیم انتخابات منصفانه داشته باشیم.

تا اون موقع من مرد نامرئی رو به عنوان مسئول اجرایی انتخاب میکنم.



خیلی خوب، ما هم موافقیم!



مرد نامرئی همون اول که این حملات شروع شد مگه از شهر نرفت؟

ششش. کسی نمیفهمه.



سلام بر تو.

شنیدم که قدرت تو اینه که خوش شانس بشی. قدرت منم همینه.

ترجیح میدم به هیولا لجنی رو ببوسم.



الان این یعنی باشه یا که ...

یعنی نه.





شوخیست گرفته؟!
دیگه شما انبار خوابا
واسه چی ازم شکایت
کردین؟

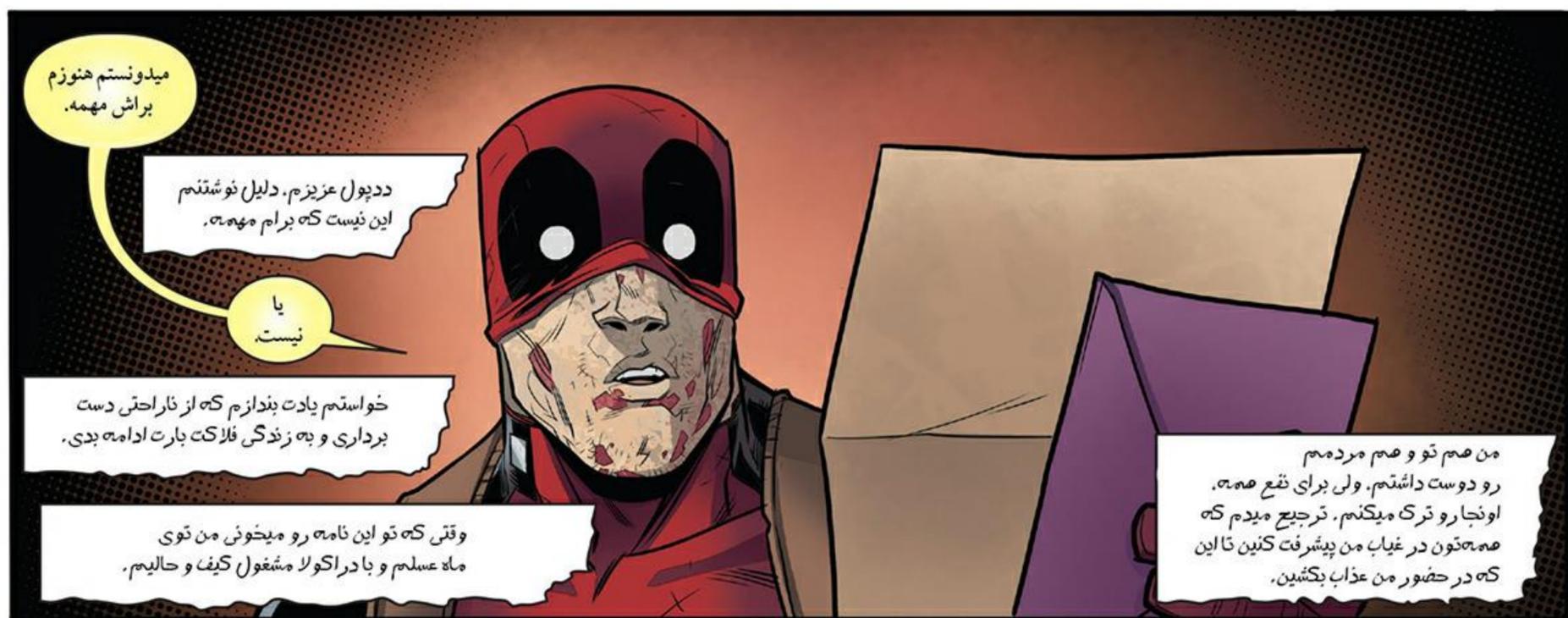
یک نامه از همسر
سابقتون، سرورم.



دیگه نیازی
نیست منو اونطوری
صدا کنین.

آها، درسته.
مرسی. از طرف همسر
سابقته، آشغال عوضی.

باید به یه
چیزایی عادت
کنیم



میدونستم هنوزم
براش مهمه.

ددپول عزیزم، دلیل نوشتنم
این نیست که برام مهمه.

یا
نیست.

خواستم یادت بندازم که از ناراحتی دست
برداری و به زندگی فلاکت بارت ادامه بدی.

وقتی که تو این نامه رو میخونی من توی
ماه عسلم و با دراکولا مشغول کیف و حالیم.

من هم تو و هم مردمم
رو دوست داشتم. ولی برای نفع همه،
اونچارو ترک میکنم. ترجیح میدم که
همهتون در غیاب من پیشرفت کنین تا این
که در حضور من عذاب بکشین.



به این نتیجه رسیدم که برای ازدواجهون
و هم برای نقش ملکه بودنم عجله کردم.
در حقیقت، باید راجع به جفتشون بیشتر دقت میکردم.

من تو و مردمم رو پشت سر
میدارم تا برم و خودمو پیدا
کنم. من قرن ۱۹ و ۲۰ رو خواب
بودم. زمان حالهون هم که
کشتار گامه، ولی کی میدونه آینده
برامون چی داره؟



فکر کنم بهتر
باشه برم و قرن ۲۱
رو تجربه کنم.

بادراکولا صم پیه
کمی خوش میگذرونم.
ولی ...

جناب ددپول،
شما به ...

Handwritten text on a document held by Deadpool.

Handwritten text on a document held by Deadpool.

WHUDD

... گوشیتو روشن
نگه دار ...

... هیچوقت نمیدونی کی دلت
واسه یکی تنگ میشه.

تا اون موقع.
با خودت مهربون باش.

قشنگه که
بالاخره یه رابطه رو
بدونه جنازه تموم
کنی.

همیشه هیجان
انگیزه که یه راه جدید
واسه گند زدن پیدا
کنی.

COMIC CITY

شماره ۴۰

ددپول



ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman